

دروغی که بزرگ شد

«مجله‌سازی فرهنگ‌های باستانی فاوَر نزدیک»

اسکاروایت ماسکارا

ترجمه:

صمد علیون (خواجه دیزج)



بنیان اندیشی شرق میانه

سرشناسه	ماسکارلا اوسکاروایت Muscarella, Oscar White
عنوان و نام پدیدآور	دروغی که بزرگ شد: جعل‌سازی فرهنگ‌های باستانی خاور نزدیک / اسکار وایت ماسکارلا ترجمه صمد علیون (خواجهدیزج) تبریز: بنیان اندیشی شرق میانه، ۱۳۹۸ ۶۶۶ ص. مصور.
مشخصات نشر	ISBN: 978-600-97791-0-9
مشخصات ظاهری	فیا : وضعیت فهرست نویسی : یادداشت : یادداشت : عنوان دیگر : موضوع : موضوع : موضوع : موضوع : موضوع : موضوع : شلسله افزونه : رده بندی کنگره : رده بندی دیویی : شماره کتابشناسی ملی :
شابک	The lie became great: The forgery of ancient Near Eastern cultures, 2000 کتابنامه. جعل‌سازی فرهنگ‌های باستانی خاور نزدیک. هنر باستان -- خاورمیانه -- جعل -- فهرست‌ها Art, Ancient -- Middle East -- Forgeries -- Catalogs : آثار تاریخی -- جعل -- فهرست‌ها Forgery of antiquities -- Catalogs : خاورمیانه -- آثار تاریخی -- جعل -- فهرست‌ها Middle East -- Antiquities -- Forgeries -- Catalogs : علیون، صمد، ۱۳۵۹، مترجم ۸۸۷۹۰ / م ۲ ۴ ۱۳۹۸ ۷۰۰ ۷۴ : ۳۶۶۸۰

دروغی که بزرگ شد: «جعل‌سازی فرهنگ‌های باستانی خاور نزدیک»

مؤلف : اسکار وایت ماسکارلا
ترجمه : صمد علیون (خواجهدیزج)
ناشر : بنیان اندیشی شرق میانه
نوبت چاپ : اوّل، ۱۳۹۸
تصمیم، ویرایش و صفحه آرایی : مرگان عسگر، مدیریت شفاعتی
طراحی جلد : م. قدمی
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
تعداد صفحه و قطع : ۶۶۶ / وزیری
چاپ و صحافی : امین
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۷۹۱-۰۰-۹
قیمت : ۷۰۰۰۰ تومان
انتشارات بنیان اندیشی شرق میانه



آدرس دفتر انتشارات: تبریز، چهارراه شریعتی، مجتمع پلاسم، طبقه سوم، واحد ششم

BonyanAndishi.ir

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

نگارش کتاب «دروغی که بزرگ شد» زمان بسیار زیادی برده و ثمره سال‌ها تحقیق و پژوهش است. زمانی که بنده در دانشگاه پنسیلوانیا دانشجوی باستان‌شناسی بودم، به یاد نمی‌آورم که چیزی در مورد آثار جعلی می‌دانستم. زیرا در کلاس‌های درس و به طور کلی در رشته باستان‌شناسی در مورد آن‌ها بحث نمی‌شد. و بعدها که در پست موزه‌دار در موزه هنر متروپلیتن مشغول به کار شدم، تا مدت‌ها واژه جعل به گوشم نخورده بود. از این رو، بنده در کسوت باستان‌شناس و موزه‌دار به مطالعه چیزی آغازیدم که بی‌بردم مسئله فرهنگ بسیار اساسی است و به جزئی از دغدغه‌ها و نوشته‌های بنده در حوزه باستان‌شناسی تبدیل شد. خلاصه‌ای که در سطور پایین می‌آید، نگاهی گذرا به همان مسئله‌ای است که در کتاب «دروغی که بزرگ شد» به تفصیل بیان می‌شود.

«ماه مه ۲۰۱۷»

جعل هنرها و آثار هنر باستانی، تحقیقات و نتیجه‌گیری‌های حوزه باستان‌شناسی را به گمراهی می‌کشاند. چنانچه آثار جعلی به نام اصل پذیرفته شوند، نوعی انحراف دروغین امروزی بر دنیای باستان تحمیل می‌شود، اقدامی که با اهداف باستان‌شناسی و تاریخ در تضاد است. دلالت عتیقه (این عبارت اشاره به فروشندگان عتیقه‌های غارت شده دارد) آثار جعلی را همواره به همراه آثار اصل می‌فروشند و ادعا می‌کنند هر دو گروه از این اشیاء متعلق به فلان محوطه یا مناقه هستند و کشاورزی حین بیل زدن مزرعه خود آن‌ها را یافته است. علاوه بر دلالت، شمار زیادی از شهروندان از سطوح آکادمیک و اجتماعی مختلف، عمدتاً کارمندان، موزه‌داران و مدیران موزه‌ها و اساتید دانشگاه، در فرهنگ جعل ساکن هستند. با این حال، بسیاری از همکاران و دانشجویان ما هنوز از اقدامات گسترده و ویرانگر این فرهنگ آگاهی ندارند.

جعلیات در سراسر بخش‌های هنر و هنرهای تزئینی و قدر مسلم در تمام رشته‌هایی که گردآوری در آن‌ها - از سوی موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی - صورت می‌گیرد، وجود و رواج دارد. تمامی ارکان این جوامع گردآورنده در واقعیت همزیستی با جاعلان، گاه از روی سهو، اما اغلب با کسانی که از نظر شغلی یا مالی از این قضیه نفع می‌برند، مشترک هستند. صرف نظر از این که آثار گردآوری شده شامل هنر کدام دوره یا فرهنگ یا شامل اشیاء عمومی است، صرف نظر از این که یک شیء تا چه حد از نظر برخی بی‌ارزش باشد، همان تجربه‌های فریب دهنده و همان مسائل وجود دارد. دلایل و علت‌های وجود، نمایش و وفور اشیاء جعلی به همراه یک منشاء (محل کشف) ساختگی، دفاع‌های پژوهشی و شغلی و لاپوشانی‌ها، و معرفی شدن آن‌ها در منابع به نام محصولات - گفته شده! اصل، در نشریات و کتب عمومی، موزه‌ای و علمی و پژوهشی، اساساً یکسان است. مسائل موجود توأمان شامل نادیده گرفتن عادی و ظاهر سازی و کلاهبرداری آگاهانه است تا به نام مجموعه‌دار مطرح یا موزه‌دار فعال بی‌پروا شناخته شوند. اشیاء جعلی در بین اشیاء ناهمگون متعلق به هر دوره و منطقه جغرافیایی، خواه هنر خاور نزدیک، یونان، روم، مصر، آسیا، آفریقای باستان و خواه قرون میانه و عصر حاضر، یافت می‌شوند. این موضوع در مورد هنر عصر جدید و همه «اشیاء کلکسیون» صدق

می‌کند، اعم از اثاثیه منزل، جواهر آلات، مسکوکات، بلورجات، ظروف، مجسمه، آلات موسیقی، بطری‌های شراب قدیمی، دفاتر خاطرات (سررسید)، نامه‌ها، نقشه‌ها و غیره. آثار جعلی را با هدف کلاهبرداری و با هدف فروش آن‌ها می‌سازند. و آن‌ها همیشه پرفروش‌ترین هستند، همیشه در ویرترین‌های همه (!) موزه‌ها و مجموعه‌داران در اقصی نقاط عالم وجود دارند - به همین علت است که جاعلان و فرزندان آن‌ها از شغل مادام‌العمر برخوردارند.

اکثر آثار جعلی در همان نگاه اول قابل تشخیص هستند، اما برخی جاعلان صنعتگران بسیار قابل‌هستند و هرگز نباید قابلیت‌های آن‌ها را دست‌کم گرفت. بسیار می‌شنویم که دلال یا مجموعه‌دار یا موزه‌داری ادعا می‌کند که «هیچ جاعلی نمی‌توانست این را بسازد». جاعلان همچنین تحقیقات جدید، به ویژه فناوری‌های علمی مرتبط با تشخیص جعلیات را رصد می‌کنند، و استادانه آنالیزهای ترمولومینسانس، دندروکرونولوژی (سن‌یابی از طریق حلقه‌های آوندی درختان) و فلزی را دستکاری می‌کنند و نتایج آن‌ها را با موفقیت تغییر می‌دهند. دلالان مجرعه‌داران، دانشمندان فاسد، برخی مسمی به متخصصان حفظ و مرمت را به خدمت خود می‌گیرند تا آزمایشات آنان را دستکاری و نتایج را به نحو دلخواه خود دریاورند تا این که «اصالت» شیء مورد نظر تأیید شود. به فروش برسد. و آنان در دفاع از اصالت اشیاء جعلی خود می‌گویند: «متخصص حفظ و مرمت من به من این چنین گفت». بر این اساس، کسی نمی‌تواند مدعی شود که آنان اشیاء جعلی خریده‌اند، آنان تنها اشیاء اصل می‌نرند. در نتیجه، باستان‌شناسان، متخصصان تاریخ هنر، دانشجویان، موزه‌داران و مجموعه‌داران قربانی فرهنگ جعلی می‌شوند.

در خصوص آثار هنری ادعایی باستان، بدیهی است اشیاء جعلی تنها می‌توانند بین اشیاء غارت شده‌ای وجود داشته باشند که دلالان و حراج‌خانه‌هایی که اشیاء جعلی را به همراه اشیاء اصل چپاول شده از محوطه‌های اکنون نابود شده می‌فروشند، فروخته‌اند. البته، وقتی محوطه مهمی مورد چپاول واقع می‌شود و نامشان را در سراسر دنیا در بوق و کرنا می‌کنند (از جمله، ریون، غار کلماکره، یا چندین گورستان در نزدیکی جیرفت که همگی در ایران قرار دارند)، جاعلان بی‌درنگ اشیاء تولید می‌کنند و مدعی می‌شوند که به تازگی از فلان محوطه نامبرده پیدا شده‌اند. قدر مسلم در بین آثار به دست آمده در تحقیقات باستان شناختی علمی، اشیاء جعلی وجود ندارد. البته گفتنی است در دهه‌های ۹۲۰ و ۹۱۰، کارگران محلی شاغل در محوطه‌های باستانی عراق به جعل اشیاء اقدام کرده (صراحتاً اکثر آن‌ها اشیائی در سبک گل پخته بودند که روستاییان به راحتی در تنور خانه‌های خود می‌پختند) و تظاهر می‌کردند که آن‌ها را در جریان کاوش محوطه کشف کرده‌اند: زیرا در آن زمان باستان‌شناسان به کارگران خود در ازاء هر شیئی که می‌یافتند انعام (در زبان محلی، «بخشش») می‌دادند. هدف از این اقدام آن بود که کارگران را از دزدیدن و فروش آثار به دلالان بازدارند. باستان‌شناسان کاوش کننده آن محوطه نیز، بی‌خبر از همه‌جا، در گزارش نهایی کاوش‌های خود قید می‌کردند که این اشیاء در کاوش فلان محوطه کشف شده است.

همه دلالان عتیقه به فروش آثار جعلی مبادرت می‌کنند، بسیاری از آن‌ها دانسته این کار را می‌کنند و بقیه نه، اما مورد اول رواج بیش‌تری دارد. همه دلالان خود را «خوشنام» نامیده‌اند، واژه‌ای که به طور مستمر در ارجاعات خودخوانده یا در ارجاعات موزه‌ها به کار می‌رود. همه آن‌ها ادعا دارند در زمینه عتیقه‌هایی که می‌فروشند تخصص دارند و دلیل این ادعا آن است که آن‌ها هر روز با عتیقه‌های (ادعایی) سروکار دارند،

همه چیز را درباره فرهنگ‌های باستان و اشیاء، «هنر» و تولیدات فرهنگی آن‌ها «می‌دانند». همه آن‌ها قسم دلالان به مشتریان را با چهره جدی ازیر می‌خوانند: «من هرگز شیء جعلی نمی‌فروشم»، اما مشتاقانه (بی‌درنگ) نام دلالانی را که این کار را می‌کنند در گوشی می‌گویند. البته، بنده تنها به دو دلال برخورد کرده‌ام که فرق بین اشیاء جعلی و اصل را می‌دانستند. و بنده دلالان چندی را شناختم که با مشاهده اشیاء جعلی در مغازه خود ناراحت شده، آن را از مغازه خود برداشته‌اند. یک دلال «خوشنام» خودخوانده، خود را همواره چنین تبلیغ می‌کرد و در منابع تجاری در مقام صاحب نظر مطرح در زمینه جعلیات ذکر می‌شود: در حقیقت، او، همانند همه همکاران خود، اشیاء جعلی فروخته است و همه آن‌ها را به همراه محل کشف و فرهنگ باستانی ادعایی.

همه دلالان عتیقه‌منشاءهای دروغینی را به عنوان خاستگاه ادعایی اقلام فروشی خود ذکر می‌کنند، خواه آن شیء اصل باشد و خواه جعلی: به طور مثال، نامه‌ای در تأیید وجود آن شیء در مجموعه یک خانواده قدیمی ایتالیایی، سوئیس یا آلمانی یا ادعایی دایر بر «خریداری شده از سوی یک مجموعه‌دار اروپایی در سال ۱۹۳۸».

در اغلب موارد این مجموعه‌داران فیکسیمی ادعایی، وجود خارجی ندارند و جعلی هستند، و نامه‌های نوشته شده در (تأیید اصالت) اشیاء جعلی نیز همین‌طور. و حداقل در یک مورد، یک کدپستی قدیمی روی پاکت یک نامه حاوی منشأ ساختگی، وجود داشته باشد. با این وصف، مواردی از جعل منشأ وجود دارند که روی یک شیء تازه‌ساز اضافه شده‌اند.

برخی دلالان فعالانه با جاعلان کار می‌کنند. چه از طریق سفارش ساخت اشیاء جعلی و چه از راه خرید دائمی محصولات آن‌ها. برخی از دلالان کارخانه‌های خاراگگی (در ایران، مصر، ایتالیا و غیره) دارند. دلالان از ترفندهای اغفال‌کننده برای افزایش فروش خود استفاده می‌کنند. آنان توأمان اشیاء اصل و جعلی را به موزه‌ها اهدا یا امانت می‌دهند تا تظاهر به مساعدت مدنی کرده، برای مشتریان، خودشیرینی کنند و برای اشیائی که دارند اعتبار و شهرت کسب کرده و در نهایت برای فروش آن‌ها طرح بریزند. دلالان همچنین پژوهشگران و دانشمندان را اجیر می‌کنند تا اصالت اشیاء جعلی آنان را گواهی کنند؛ گوانی نامه یا سخن این افراد در تأیید اشیاء مورد نظر به یکی از ارکان اصلی بسته حراج آتی تبدیل می‌شود. آنان با پرداخت پول، از مرمیگران و آزمایشگاه‌های علمی فاسد گواهی‌نامه اصالت، بر مبنای تست و آنالیز بی‌طرفانه ادعایی - البته اغلب ناقص انجام می‌شود - می‌خرند و آن را به نام سند علمی که به صورت بی‌طرفانه اخذ شده است، ارائه می‌دهند. تجربه بنده نشان می‌دهد که این رفتار نادر نیست. یک دانشمند موزه نیز از این موضوع آگاه بود و دانسته‌هایش را با بنده در میان گذاشت. دلالان در مورد گواهی اصالت صادر شده از سوی پژوهشگران نیز دروغ می‌گویند: در موردی که بنده در مورد یک شیء تنها گفته بودم که «این شیء جالب است»، و مسلماً یک واقعیت است، زیرا همه آثار جعلی برای بنده جالب هستند، گفته‌اند که بنده اصالت یک شیء جعلی را گواهی کرده‌ام.

حراج‌خانه‌ها و کارشناسان/متخصصان آن‌ها دقیقاً همانند دلالان دیگر عمل می‌کنند. همه آن‌ها اشیاء جعلی را به نام اشیاء اصل می‌فروشند و برخی از آن‌ها پیوسته اشیاء جعلی را در حراج‌های عتیقه‌های (ادعایی) خود می‌فروشند. به علاوه، برخی از دلالان وقتی یک شیء جعلی را در بین اموال خود می‌یابند، آن را

خودشان نمی‌فروشد، بل که آن را به یک حراج‌خانه می‌دهند تا بفروشد و از این رهگذر، موضع خود مبنی بر عدم فروش اشیاء جعلی به مشتریان را حفظ می‌کنند. در این قبیل موارد، حراج‌خانه منشأ آن شیء را به صورت «از یک نجیب‌زاده اروپایی» یا این شیء «در سال ۱۹۳۲ در سوئیس خریداری شده بود» ذکر می‌کند. این رفتار برای دلالت و حراج‌خانه‌ها کسب و کار عادی تلقی می‌شود - هر یک از آنان می‌توانند ادعا کنند «با حسن نیت» رفتار کرده‌اند.

در مورد موزه‌ها، از راه تعلیم و تربیت نادرست مستمر از سوی پژوهشگران و نویسندگان، و به واسطه هوجبگری مداوم موزه‌ها و دروغ‌های روزنامه‌های محلی، شرطی شده‌ایم تا بپذیریم که هر شیئی که یک موزه می‌خرد یا به آن اهدا می‌شود، برابر آن چه در برجسب آن قید شده، به صرف این واقعیت اصل هستند. حقیقت این است که موزه‌های عمومی، خصوصی و دانشگاهی بسیاری در اروپا، ژاپن و ایالات متحده، جعلیات آثار باستانی (که در زبان موزه «آثار هنری» یا ستانی خوانده می‌شوند) در مجموعه‌های خود دارند و آن‌ها را در ویتترین‌های خود نمایش می‌دهند. در تعداد زیادی از موزه‌ها (به ویژه در ایالات متحده) جعلیات آثار هنری باستانی در حقیقت رکن اصلی پیکره «آثار باستانی» آن‌ها است.

موزه‌داران عتیقه‌های «بره‌ها» یا پژوهشگر نیستند؛ تعدادی قطعاً متخصص هنر باستان نیستند و برخی موزه‌داران تنها مدرک دانشگاهی یا کارشناسی دارند. پیشینه اجتماعی و رابطه با افراد متمکن در سیاست‌های جذب کارکنان در بسیاری بخش‌ها (به ویژه در دپارتمان‌های عتیقه‌های آمریکایی و کلاسیک) در برخی موزه‌ها اهمیت بیش‌تری دارند. بحث مهم از شرح وظیفه یک موزه‌دار «توسعه دادن» مجموعه - از راه خرید اشیاء و تحصیل هدایا از مجموعه‌داران - است. و همزمان دفاع به شدت از اصالت این خریده‌ها و هدایا است: حفظ اعتبار و وجهه موزه‌داران خرید کننده و سایر موزه‌ها و هدیه دهندگان ثروتمند. اما این فرایند دوسویه است: بنده موردی را می‌شناسم که در آن موزه‌دار موزه این سخن را پخش کرد که موزه‌داری در دپارتمان دیگر (= دپارتمان مصر) در موزه او شیئی جعلی قرار بود - که دروغ می‌گفت. موزه‌دار دروغگو ناراحت بود. زیرا برادر او، موزه‌داری در یک موزه دیگر، همان شیء را بخرد و قیمتی بالاتر از قیمت او پیشنهاد داده بودند و هر دو قصد انتقامجویی داشتند.

بنده همچنین از اولین لو، پژوهشگر آلمانی شنیده‌ام که از وی خواسته به دنبال بازی تعدادی از جعلیات ساغرهای مارلیک (محوطه‌ای در ایران) که به صورت امانی از سوی یک مجموعه از راپنی در موزه هنر متروپلیتن بودند، مداخل کاتالوگ بنویسد. او پس از دیدن عکس‌هایی که برایش فرستاده بودند (او ساکن آلمان است)، گفته بود که نمی‌تواند این کار را بکند. زیرا همه آن‌ها جعلی هستند. موزه مزبور دو موزه‌دار را به آلمان می‌فرستد تا وی را به نوشتن مداخل متقاعد کنند و پول خوبی به او پیشنهاد داده بودند. گو پیشنهادشان را رد کرده بود. و آن موزه پس از آن، هم یک پژوهشگر «مشتاق» و هم یک دانشمند فاسد را اجیر می‌کند تا آن‌ها را به نام اشیاء اصل معرفی کنند. آن دو این کار را می‌کنند و می‌نویسند که انحرافات و ایرادات فاحش موجود نشان می‌دهد این ساغر‌ها از نمونه‌های کاوش شده در مارلیک «قدیمی‌تر» هستند. مسلماً آن‌ها چند هزار سال جدیدتر بودند. گو برآورد کرده است که ۵۰ درصد همه ظروف کاوش نشده مارلیک جعلی هستند.

بسیاری از کاتالوگ‌های نمایشگاه‌های موزه‌ها که به کوشش پژوهشگران تهیه و نوشته شده‌اند حاوی آثار جعلی هستند. مدیران موزه‌ها، که برخی تنها در یک زمینه هنری خاص تخصص دارند، و تا جایی که بنده اطلاع دارم هیچ یک در زمینه هنر باستان تخصص ندارند، افرادی هستند که مسئولیت کنترل و پذیرش خریدهای تمامی آثار هنری و فرهنگی، شامل نمونه‌های جعلی را بر عهده دارند. ناگفته پیداست که مدیران نیز به شدت از اصالت همه اشیائی که می‌خرند و اکنون اشیاء آن‌ها و در مالکیت آن‌ها هستند، دفاع می‌کنند. نمونه‌های بسیاری از این مورد وجود دارد، اما ذکر یکی از آن‌ها در بحث حاضر کفایت می‌کند. یک موزه‌دار پس از مشورت با بنده، در حال برداشتن یک شیء جعلی از ویترین موزه بود که مدیر موزه متوجه قصد او شد. وقتی موقوف را به او گفت، مدیر موزه به شدت خشمگین شد و به موزه‌دار دستور داد آن را به همراه برجسده حاوی توصیف دروغین آن سر جایش برگرداند (تصویر آن شیء روی جلد همین کتاب بنده چاپ شده است). مدیر موزه آن را تظہیر داد و تبدیل به اثری باستانی کرد. مدیران، با حمایت موزه‌داران خود، همچنین اشیائ را به نام جعلی بودن آن‌ها از مجموعه‌داران به امانت می‌پذیرند. مبنای منطقی این کار آن است که این عمل بر مبنای حسن نیت و به خاطر حفظ وجهه امانت دهندگان انجام می‌گیرد و به خاطر جلوگیری از قطع امانت دادن و اهدای آثار در آینده است. این آیین موزه ایجاب می‌کند که آثار جعلی اهدا شده از طرف اهدا کنندگان نرینند - که جعلی بودن آن‌ها مشخص شده است - باید در موزه به نمایش گذاشته شود و در برجسده‌های آن‌ها به نام آثار باستانی اصل معرفی شوند (حداقل تا زمانی که اهدا کننده یا خانواده امانت دهنده در قید حیات هستند). مدیران موزه‌ها شاید در یک حوزه مشخصی از هنر توانمند باشند، اما آیین موزه می‌طلبد که از همان روز اول استاد به این منصب، آنان خود را به متخصصان هنر خودخوانده در همه زمینه‌های آثار هنری موجود در موزه آنان تبدیل کنند. این نکته مفروض (جزء شرح وظایف آنان) است که هر آن چه آنان می‌خرند یا تحصیل می‌کنند، اصل است و البته از راه قانونی «با حسن نیت» تحصیل شده است. و توجه داشته باشید که دغل‌بازی و فی‌حانه در پوشش «وفاداری» به یک مدیر موزه، همکار معتمد، ولی نعمت یا دلالان، جزء شرح وظایف موزه‌ها در جامع عرفی «های موزه‌داری» است.

مجموعه‌داران در وهله اول اشیاء را با هدف نمایش ثروت و قدرت قرن با آن و با هدف «مالکیت هنر» خریداری می‌کنند. خواسته‌های شخصی آن‌ها، حداقل در مورد عتیقه‌ها، اغلب، با این تجاوز به عرف بیان می‌شود؛ به طور مثال (این نقل قول‌ها در حیز واقع گفته شده‌اند): «مجبور بودم آن را داشته باشم»، «او عطش عتیقه دارد»، «اگر آنان آن را به من نفروشدند، من آن را به روش خودم به دست می‌آورم». اکثر مجموعه‌های خصوصی عتیقه‌ها حاوی اشیاء جعلی هستند. و وقتی مجموعه‌داران چیزهای خوششان را، که شامل اشیاء جعلی هستند، به موزه‌ها هبه می‌کنند، از معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند. مجموعه‌داران نیز، همانند دلالان، مرمی‌گران را برای «گواهی اصالت» خریده‌های خود، یعنی جعلیات تازه‌ساز، اجیر می‌کنند تا کسی نتواند ادعا کند که آنان اشیاء جعلی خریده‌اند و از این راه، آنان را بی‌آبرو و بدنام می‌کنند: آنان تنها اشیاء اصل، یعنی «آثار هنری چپاول شده» می‌خرند. به قول یک مجموعه‌دار، «مرمی‌گر به من گفت» این شیء اصل است.

پژوهشگران نیز نقش مهمی دارند و منشاء خدمت برای فرهنگ جعل هستند، هر چند این کار را در موارد بسیاری ناآگاهانه انجام می‌دهند. بسیاری از افراد دخیل در مطالعه آثار باستانی و کسانی که اشیاء جعلی را به نام اشیاء اصل در نوشته‌های خود معرفی می‌کنند نیز در حقیقت از حضور و کمیّت خود ناآگاه هستند.

(این وضعیت اکنون در حال تغییر است). قدر مسلم، به گفته جرج اُروِل، «دیدن آن چه مقابل بینی آدم قرار دارد، نیازمند تقلای مستمر است». دلایل اصلی این وضعیت اساساً فقدان تعلیم و آموزش یا تحقیق ناکافی است که کماکان ادامه خواهد یافت. مسائل مرتبط با جعل در مورد اشیاء / آثار هنری باستانی به ندرت در کلاس‌های درس و سمینارهای باستان‌شناسی در دانشگاه‌ها، در مقام یک مسئله مهم و اساسی و در مقام یکی از ارکان اصلی مطالعات تاریخ هنر و باستان‌شناسی، تعلیم داده می‌شود و مورد بحث قرار می‌گیرد. بنده یک استاد باستان‌شناسی را می‌شناسم که در گردهمایی باستان‌شناسان، بحث از اشیاء جعلی در ملاء عام را محکوم کرد؛ فرد دیگری در همان گردهمایی گفت که «خریدن اشیاء جعلی به‌تر از خریدن آثار چپاول شده است».

این چنین، بیش‌تر پژوهشگران، مدرک دکتری باستان‌شناسی اخذ می‌کنند، بی‌آن که یکبار واژه اثر جعل به‌گوششان خورده باشد (مثلاً خود بنده). تا جایی که اطلاعات بنده اجازه می‌دهد در گذشته تنها چند پژوهشگر انگشت‌شمار به مسئله آثار جعلی فراتر از حد مسائل سطحی و جنبی و پیش‌پا افتاده، پرداخته‌اند؛ از جمله، آندره ویسز ویران («دغلبازی‌ها در باستان‌شناسی پیش از تاریخ»، ۱۹۳۲) و ا. اونگر («اشیاء جعلی»، RIA ج سوم: ۹-۱۶). و در دهه‌های اخیر نسبت به گذشته، مصادیق بیش‌تری از پژوهشگرانی که به این موضوع پرداخته‌اند، وجود دارند.

تنها یک فعالیت را که گاه اساتید و دیگر پژوهشگران لجباز یا ناآگاه، اما نه متقلب و حقه‌باز و البته از سوی شهروندان فرهنگ‌بیل (تریداران و فروشندگان) در مواجهه با جعلیات آثار هنری باستان به مثابه تفسیری پیچیده بیان می‌شود ذکر می‌کنم. آنان اشیاء جعلی را در واقع محصولی شهرستانی که به دست صنعتگری شهرستانی تولید شده است و به مثابه اثر، از سبک معیار و یا به مثابه شیئی پیدا شده از فرهنگی که هنوز شناخته نشده است (و اکنون برای اولین بار از آن رونمایی می‌شود) بیان می‌کنند. و برخی کسانی را که می‌گویند «لباسی بر تن پادشاهان عربان نیست» مورد استهزاء قرار می‌دهند و حرف او را نمی‌پذیرند. موارد بیش‌تری در این رابطه وجود دارد. بنده دو مورد را شنیده‌ام که امید است شجویان را از معرفی و بحث از اشیاء جعلی در کلاس و در گزارش‌های خود منع کرده‌اند.

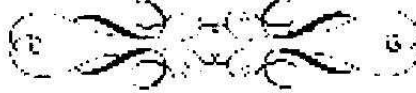
نشریه‌های علمی - پژوهشی را پژوهشگرانی ویراستاری و اداره می‌کنند که بسیاری از آنان پژوهشگران دانشگاهی هستند. با این همه، طی دهه‌های متمادی، صدها شیء جعلی که در آن نشریات به نام آثار اصلی معرفی شده و مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ داوری مقالات یا وجود نداشته یا بی‌معنی بوده است. در مواردی ممکن است افرادی نشریه‌های علمی - پژوهشی را گمراه کنند و از آن‌ها در تطهیر و بیخ‌اشیاء جعلی و فروشندگان آن‌ها استفاده کنند. این اتفاق در مورد مجله خبر مصور لندن، که زمانی نشر دهنده مطرح و معتبر گزارش کاوش‌های علمی محوطه‌های باستانی بود، افتاده است. از این مجله همچنین برخی پژوهشگران حقه‌باز یا صرفاً ناآگاه در معرفی اشیاء جعلی سربرآورده از مغازه‌های دلالان - که البته نویسندگان مقالات ادعا داشتند به تازگی در ایران یا بین‌النهرین از زیر خاک بیرون آمده‌اند - نیز استفاده کرده‌اند. در این مجله همچنین اشیاء جعلی فاحش را به همراه منشاء‌های دروغین (که دلالان برای آن‌ها دست و پا می‌کردند) به نام آثار کاوش شده معرفی کرده و سپس آن‌ها را به موزه معروفی در شهر واشنگتن فروخته‌اند. تردید ندارم چنین رفتاری در نشریه‌های علمی - پژوهشی مرتبط با تاریخ هنر در سایر حوزه‌های تخصصی نیز وجود دارد.

بر این اساس، فرهنگ جعل را خانواده گسترده قدرتمندی به وجود می‌آورد و در آن سکنی می‌گیرند: وصلت نامشروع و همکاری پرسنل موزه‌ها - مدیران، موزه‌داران، امناء، مجموعه‌داران، دلالان و کارکنان حراج‌خانه‌ها و پژوهشگران ناآگاه یا فاسد.

در زمینه اظهار نظر بی‌طرفانه و صادقانه در مورد اشیاء جعلی، نمی‌توان به این شهروندان استناد یا به آن‌ها اعتماد کرد. تصمیم‌گیری و اظهار نظر بی‌طرفانه در مورد اصالت آثار، به سال‌ها مطالعه و تماس عملی، تعمق و مطالعه مستمر روی اشیاء با منشاء معلوم نیاز دارد. نه تنها جاعلان، بل کسانی که درصدد بدنام کردن آن‌ها هستند، از شغل‌های مادام‌العمر برخوردارند.

اسکاروایت ماسکارا

www.ketab.ir



۱. مقدمه و مجادله (۷۵)
- فرهنگ جبل (۷۷)
- پی نوشت ها (۷۷)
۲. کاتالوگ (۷۷)
- الف) فرهنگ های ایرانی (۷۵)
- مارلیک / المش (۷۵)
- ظروف طلا و نقره (۷۷)
- سایر اشیاء (۹۴)
- شمال غرب ایران / حسنلو (۹۴)
- هنر هخامنشی (۹۷)
- نقش برجسته ها (۹۷)
- تندیس های آسانسور (۱۰۰)
- تندیس های جانوری (۱۰۴)
- ریتون (۱۰۸)
- آفورا با دسته های جانوری (۱۱۳)
- دسته های جانوری مجزا برای آفورا (۱۱۶)
- بشقاب ها با مدالیون مرکزی مزین (۱۱۷)
- صفحه های مزین (۱۱۹)
- ظروف (۱۲۱)
- سردیس های جانوری (۱۲۳)
- سرعالم های جانوری سوکت دار (۱۲۵)
- انگوها، حلقه های بازو (۱۲۷)
- قطعات مشبک، مدال ها (۱۳۰)
- آئینه ها (۱۳۲)
- اشیاء متفرقه (۱۳۳)
- آثار مادها (۱۳۸)
- زیویه و کاپلاتو / قاپلاتو (۱۴۳)

لرستان (۱۵۲)

• گروه زروان (۱۵۳)

• اشیاء مرتبط با گروه زروان (۱۵۶)

• سنجاق‌های دیسکی (۱۵۸)

• پلاک‌های دایره (۱۶۳)

• تسمه‌ها و کمربندها (۱۶۶)

• ظروف مزین و دیگر اشیاء (۱۷۰)

• اشیاء چهل تکه (۱۷۵)

• ساغرهای نوک‌پستانی مزین و ظروفی با شمایل‌نگاری مشابه (۱۷۹)

• تندیس‌ها (۱۸۸)

• سرسنجاق‌های مشبک (۱۹۲)

• اشیاء مسما به درفش و سرعَلَم (۱۹۶)

• چاق‌های اسب با نگاره‌های فیکوراتیو (۱۹۶)

• سارح‌ها (۲۰۲)

• تیردان‌ها (۲۰۵)

سبک عمومی ایران (۲۰۹)

• سرمه‌دان‌ها (۲۱۳)

• آئینه‌ها (۲۱۴)

• تندیس‌ها (۲۱۶)

• اشیاء طلایی کوچک (۲۲۰)

سفال سلیک ب (۲۲۲)

هنر عیلام (۲۲۴)

آثار سکایی (۲۲۹)

(ب) فرهنگ‌های منطقه آناتولی (۲۳۱)

حاجیلار (۲۳۱)

گنجینه دوراک (۲۳۹)

چاتال‌هوئوک (۲۴۰)

بل‌دی (۲۴۲)

ماقبل‌هیتی، هیتی (۲۴۳)

اورارتو (۲۴۷)

- (۳۶۰) - پلاک‌های گیملی
 (۳۶۲) - اشیاء متفرقه ادعایی آناتولی
 (۳۶۴) پ) بین‌النهرین
 (۳۶۴) - دوره سلسله‌های قدیم - دوره سومری
 (۳۷۷) - اشیاء به سبک بین‌فرهنگی
 (۳۸۲) - مجسمه‌های گوده‌آ
 (۳۸۵) - بابلی
 (۳۸۷) - آشوری
 (۳۰۴) ت) شمال سوریه
 (۳۱۱) ث) فنیقی، سوری، لوانتی
 (۳۲۱) ج) ساسانی
 (۳۲۴) بی‌نوشت
 (۳۵۳) تصاویر
 (۳۵۶) Bibliography